آیا نمی دانی که اسلام گناهانِ پیش از خود را نابود می کند و هجرت گناهانِ قبل از خود را از میان می برد و حج نیز گناهان گذشته را نابود می گرداند؟

از ابن شماسه مهری روایت است که می گوید: هنگامی که عمرو بن عاص رضی الله عنه در لحظات مرگ به سر می بُرد، بر بالینش حاضر شدیم؛ وی بسیار گریست و صورتش را به سوی دیوار کرد. پسرش به دلداری از او پرداخت و گفت: پدر جان، مگر رسول الله صلی الله علیه وسلم فلان مژده را به شما نداد؟ آیا رسول الله صلی الله علیه وسلم فلان مژده را به شما نداد؟ آنگاه عمرو رضی الله عنه رو به سوی حاضران کرد و گفت: برترین چیزی که تدارک دیده ایم، شهادتِ «لااله الاالله، محمد رسول الله» می باشد. من سه مرحله را پشت سر گذاشته ام: زمانی بر من گذشته است که هیچکس به اندازه ی من با رسول الله صلی الله علیه وسلم دشمنی نداشت و چیزی را مانند دست یافتن به رسول الله صلی الله علیه وسلم و کشتنش دوست نداشتم. اگر در این حالت می مُردم، قطعا دوزخی بودم. اما هنگامی که الله اسلام را در دلم جای داد، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدم و گفتم: دست راستِ خویش را دراز کن تا با تو بیعت کنم که دست راستش را گشود و من دست خود را جمع کردم. پس فرمود: «مَا لَكَ يَا عَمرُو؟»: «ای عمرو، چه شده است؟». گفتم: می خواهم شرطی بگذارم. فرمود: «تَشْتَرِطُ مَاذَا؟»: «چه شرطی؟». گفتم: اینکه آمرزیده شوم. فرمود: «أَمَا عَلِمتَ أَنَّ الإِسْلاَمَ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ، وَأَنَّ الهِجْرَةَ تَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهَا، وَأَنَّ الحَجَّ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ؟»: «آیا نمی دانی اسلام گناهانِ پیش از خود را نابود می کند و هجرت گناهانِ قبل از خود را از میان می برد و حج نیز گناهان گذشته را نابود می گرداند؟». از آن پس کسی نزدِ من محبوب تر از رسول الله صلی الله علیه وسلم نبود و هیچکس به اندازه ی ایشان در نگاهم بزرگوار و پُرشکوه نبود؛ از بس پرشکوه بود، نمی توانستم سیر نگاهش کنم. اگر از من بخواهند که او را توصیف کنم، نمی توانم؛ زیرا هیچگاه نتوانستم چشمانم را از نگاهش سیر نمایم. اگر در این حالت می مُردم، امیدوار بودم بهشتی باشم. سپس مسؤولیت هایی به ما داده شد که نمی دانم وضعیت من در آنها چگونه است؟ وقتی مُردَم، زنِ نوحه خوان و آتش جنازه ام را همراهی نکند. آنگاه که مرا در قبر گذاشتید، اندک اندک روی من خاک بریزید و سپس در اطراف قبرم به اندازه ای که یک شتر را می کُشند و گوشتش را تقسیم می کنند، بمانید تا با شما اُنس بگیرم - و وحشتم از بین برود - و ببینم به فرستادگان پروردگارم چه جوابی می دهم.

[صحیح است] [به روایت مسلم]

حدیث عمرو بن عاص رضی الله عنه با موضوع بشارت و شادباش می باشد؛ خلاصه ی این داستان بزرگ از این قرار است: درحالی که عمرو بن عاص رضی الله عنه در بستر مرگ بود، برخی از دوستانش به دیدار او رفتند که به شدت گریست و رو به دیوار نمود؛ و درحالی که آخرین لحظات عمرش را سپری می کرد، پسرش به او گفت: چرا گریه می کنی، رسول الله صلی الله علیه وسلم که به تو بشارت بهشت داده است؟ وی گفت: پسرم، من سه مرحله را پشت سر گذاشته ام؛ سپس این سه مرحله را بیان می کند: در ابتدا دشمن رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم و دشمنی زیادی داشتم؛ هیچکس نزد من همچون رسول الله صلی الله علیه وسلم منفور و دشمن نبود؛ دوست داشتم در صورت توانایی او را بکشم. و این بدتر از کفرش بود؛ تا اینکه الله متعال اسلام را در قلبش جای داد و نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و گفت: یا رسول الله، دستت را دراز کن تا با تو بر اسلام بیعت کنم؛ و رسول الله صلی الله علیه وسلم که خوش اخلاق ترین مردم بود، دستش را دراز کرد، اما عمرو بن عاص دستش را عقب کشید؛ نه از روی کبر و غرور، بلکه جهت مطمئن شدن از برآورده شدن درخواستی که ذکر می کند؛ چنین بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «تو را چه شده؟ چه می کنی؟». وی گفت: ای رسول خدا، برای اسلام آوردنم شرطی دارم؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «چه شرطی داری؟». عمرو گفت: شرطم این است که با اسلام آوردنم، الله متعال کفر و گناهان گذشته ام را ببخشد و بیامرزد. این بزرگ ترین دغدغه

و نگرانی وی بود که الله متعال او را مورد مغفرت خود قرار دهد. گمان می کرد الله متعال با اسلام آوردن هم گناهان پیشین او را نمی بخشد. بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم به وی فرمود: «آیا نمی دانی که اسلام گناهانِ پیش از خود را نابود می کند و هجرت گناهانِ قبل از خود را از میان می برد و حج نیز گناهان گذشته را نابود می گرداند؟». و این سه مورد را ذکر نمود. اما اسلام آوردن؛ به نص قرآن گناهان گذشته ی انسان را از بین می برد؛ چنانکه الله متعال می فرماید: «قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ إِن يَنتَهُواْ يُغْفَرْ لَهُم مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُواْ فَقَدْ مَضَتْ سُنَّةُ الأَوَّلِينِ» [انفال: 39] «[ای پیامبر،] به کسانی که کفر ورزیدند بگو [که] اگر [از شرک و دشمنی] دست بردارند، گذشته های شان بخشوده می شود و[لی] اگر [به رفتار گذشته ی خود] بازگردند، سنت [و عذاب الهی که در مورد] پیشینیان گذشت [تکرار خواهد شد]». هجرت کردن؛ زمانی که انسان از شهر و دیاری که در آن زندگی می کند و سرزمین کفر است، هجرت کند، گناهان گذشته اش از بین می روند. حج کردن؛ همچنین حج اعمال و کردار ناروای پیش از خود را نابود می گرداند. چنانکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الحَجُّ المَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلا الجَنَّةَ»: «حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد». به این ترتیب عمرو بن عاص رضی الله عنه بیعت نمود و از آن پس محبوب ترین مردم نزد او رسول الله صلی الله علیه وسلم بود. تا جایی که از دیدنش سیر نمی شد. پاک و منزه است الله متعال که منقلب کننده ی قلب ها است. تا دیروز دشمن پیامبر بود و آرزو داشت او را بکشد و از بین ببرد اما حال که بیعت کرده و ایمان آورده، از فرط محبت نمی تواند چشم از او بردارد و توان توصیف او را ندارد، چون به او احاطه نداشته و از هیبتش، چنانکه باید نمی تواند درکش کند. عمرو بن عاص رضی الله عنه در ادامه می گوید: اگر در حالت اول دنیا را ترک می کرد، از دوزخیان بود و اگر در حالت دوم فوت می شد، امید بهشتی بودن داشت. احتیاط عمرو رضی الله عنه را دقت کنید، سخن وی در مورد به جهنم رفتن در حالت اول قطعی است اما در مورد حالت دوم، از شدت ترسی که دارد می گوید: اگر در این حالت فوت می کردم، امید بهشتی بودن داشتم. و نمی گوید: قطعا از بهشتیان بودم. چون گواهی دادن به بهشتی بودن امر دشواری است. بعد از این دو مرحله، عهده دار مسئولیت هایی چون امارت و فرماندهی شد؛ و در جنگ معاویه و دیگران اتفاقاتی رخ داد؛ و عمرو بن عاص معروف به باهوش ترین فرد عرب بود؛ وی می گوید: می ترسم آنچه پس از حالت دوم برایم اتفاق افتاد، عملم را احاطه کرده باشد. سپس وصیت می کند که چون وفات یافت، زنی که نوحه خوانی می کند و آوازی همچون کبوتر دارد، به دنبال او راه نیفتد؛ و سفارش می کند بعد از اینکه او را دفن کردند، به اندازه ی شتری که نحر می شود و گوشتش تقسیم می گردد، در کنار قبر او توقف کنند؛ تا فرستادگان پروردگارش - ملائکه ای که با دفن شدن انسان به سراغ او می آیند - نزد او بیایند. چون انسان بمیرد دو مَلَک نزد وی آمده و او را در قبرش می نشانند و سه سوال از وی می پرسند؛ می گویند: پروردگارت کیست؟ دینت چیست؟ پیامبرت کیست؟ عمرو بن عاص رضی الله به خانواده اش سفارش می کند پس از دفنش به قدر کشتن یک شتر و تقسیم کردن گوشتش نزد او توقف داشته باشند؛ تا با آنها انس بگیرد. و این مساله بر آن دلالت دارد که مرده در این لحظات حضور خانواده اش را احساس می کند. چنانکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است مرده پس از دفن شدن، وقتی تشییع کنندگان باز می گردند، صدای پای آنان را می شنود؛ و از رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیثی حسن ثابت است که چون مرده دفن می شد، ایشان بر قبرش می ایستاد و می فرمود: «اسْتَغْفِرُوا لأَخِيكُمْ وَاسْأَلُوا لَهُ التَّثْبِيتَ، فَإِنَّهُ الآنَ يُسْأَلُ»: «برای برادرتان درخواست آمرزش و پایداری کنید که اینک (در قبر) از او سؤال می شود». بنابراین مستحب است که وقتی مرده دفن می شود، انسان بر قبرش بایستد و این دعا را بخواند: «اللهم ثبته، اللهم ثبته، اللهم ثبته، اللهم اغفر له، اللهم اغفر له، اللهم اغفر له»: «یا الله او را ثابت قدم بگردان، یا الله او را بیامرز و مورد مغفرت خود قرار ده». و به این ترتیب هر دعا را سه بار بخواند، چون وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم سلام می کرد سه بار سلام می کرد و هرگاه دعا می کرد سه بار آن را تکرار می نمود. و اینکه پسر عمرو بن عاص به پدرش گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم تو را به بهشت بشارت داده است؛ از باب بشارت به خیر و تبریک گفتن بابت آن می باشد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3446